

اسماء و صفات الهی در قرآن

تألیف :

دکتر محمد باقر محقق

دکتر محمد باقر محقق

در این کتاب که اسماء و صفات الهی در قرآن (فقط) آنهم بطریق الفباء آورده شده است سه نوع اسماء و صفات الهی را یادآوری نموده ایم :

اول : اسماء و صفاتی که فقط بعنوان اسم در قرآن آمده مانند : (احد) و (واحد) و (مُهیمن) .

دوم : اسماء و صفاتی که هم به عنوان اسم و هم به عنوان فعل، هر دو در قرآن آورده شده مانند : (خالق) و (علیم) و (عالم) و (حکیم) .

سوم : صفاتی که فقط از طریق فعل چه بصورت ماضی و چه بصورت مضارع در

قرآن مجید آورده شده و ما اسم فاعل آن را به عنوان صفات فعلی الهی متذکر شده ایم همانند : (مرید) و (راضی) و (ساخت) و (متکلم) و (مُدرك) .

دربادی امر باید فهمید که صفات فعلی خداوند که بصورت فعل ماضی و یا فعل مضارع در قرآن آمده و قابل توجه بوده و تعداد نسبتاً زیادی را تشکیل می دهد آیا می توان آنها را به عنوان اسم فاعل یاد آور گردید یا نه ؟ در مذهب شیعه امامیه در علم کلام و اصول عقاید دینی که علماء و متکلمین در مباحث اسماء و صفات الهی قلم فرسائی نموده اند موضوعی که مانع از این امر باشد دیده نمی شود که سهل است بلکه، شواهد بسیاری می توان برای اثبات آن ذکر کرد :

اول : در خطبه های حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) که در دو کتاب «الغارات» و «نهج البلاغه» جمع آوری گردیده از اینگونه صفات از ذات باری تعالی ذکر گردیده که هیچکدام از آنها بصورت اسم در قرآن وجود ندارد بلکه از صفاتی است که بصورت فعل در قرآن آورده شده و اسم فاعل آن در خطبه ها ذکر گردیده است .

۱. «الحمد لله الناشر فی الخلق فضله، و الباسط فیهم بالوجود یدُهُ» .

یعنی سپاس و ستایش مرخدائی راست که در میان خلق فضل و احسان او پراکنده

است و دست او باز از برای جود و بخشش نسبت به خلائق است .

۲ . «قاهر من عازة - ومدبر من شاقه - و مدل من ناواه و غالب من عاداه»^۲ .

یعنی خداوند چیره شونده است بر کسی که بخواهد (به خیال خود) بر او چیره شود و غلبه کننده و نابود کننده است کسی را که با او به مخالفت در آید و خوار کننده است کسی را که از وی اعراض و دوری کند و غالب و چیره شونده است کسی را که با او دشمنی بورزد .

۳ . «اللهم داعی المدحوات و داعم المسموكت»^۳ . یعنی بار خدایا ای جنباننده و گستراننده زمین ها و نگهدارنده آسمانها .

۴ . «الحمد لله المتجلى خلقه بخلقه، والظاهر لقلوبهم بحجته»^۴ .

یعنی سپاس و ستایش از برای خداوندی است که آشکار کننده آفریدگاری خویش از برای مخلوق و آدمیان است و از راه برهان و دلیل (آثار قدرت خود) در نزد دل‌های همان مخلوق ظاهر و نمایان است .

۵ . «العالم بلا اكتساب و لا ازدياد و لا علم مستفاد، المقدر لجميع الامور بلا روية و لا ضمير»^۵ .

یعنی خداوند دانا و عالم بدون تحصیل و بدست آوردن از دیگری و بدون احتیاج به افزودن و بدون استفاده (از دیگری) و بدون

تأمل و اندیشه ای ، همه امور را در تقدیر و اندازه و سرنوشت آن دخالت فرموده و انجام می دهد، «وهو الخالق و هو المصطفى و هو المشرع و هو القاسم و هو الفاعل لما يشاء»^۶ .

و اوست که آفریننده است و اوست که برگزیننده است و اوست که قرار دهنده شرع و احکام و دستورات است و اوست که انجام دهنده است هر چیزی را که بخواهد .

چنانکه ملاحظه می شود در این نامه و خطبه ها حضرت امیر المؤمنین (ع) صفات الهی (النَّاسِر، الباسط، قاهر، مدبر، مدل، غالب، الخالق، المصطفى، المشرع، القاسم، الفاعل، داعی، داعم، المتجلى، الظاهر، العالم، المقدر) را بصورت اسم فاعل آورده که در قرآن بصورت فعل ماضی یا مضارع آمده است .

البته این صفات فعلی در خطبات مولی الموحدين به عنوان نمونه آورده شده و اگر خوض و غور در جمیع خطبات و فرمایشات حضرت بشود از اینگونه صفات فعلی زیاد دیده می شود .

دوم: کتاب کافی

۱ . در دو روایت به نقل از امام صادق (ع) صفات (مرید) و (مؤلف) و (دال) و (مقدر)، نیز (مُلهم)^۷ بصورت اسم فاعل برای خداوند ذکر گردیده است .

۲ . باز از قول امیرالمؤمنین علی (ع)

ملهم، مبدی، معید، لابس، مستوی، حامل، الممسک، رازق، ممیت، باعث و باقی) بصورت اسم فاعل آمده که در قرآن بصورت فعل ماضی یا مضارع آمده و بعضاً بصورت صفت مشبّهه یا صیغه مبالغه آورده شده است.

سوم: از سلسله علماء و دانشمندان امامیه کسانی که بسیار مورد وثوق و اطمینان کامل می باشند، امثال صدوق و شیخ مفید و علامه حلی و سایرین. از اینگونه صفات فعلی در میان کتابهای آنها دیده شده است. و ما به عنوان دلیل و بینه و نشانه های قوی، آوردن اینگونه صفات را از مدارك متین با ذکر کتابهای مربوط به آن به عنوان استناد و شاهد می آوریم:

۱. مرحوم صدوق در باب اعتقادات در میان صفات افعالی خداوند صفات (مرید) و (راضی) و (ساخت) و (مستکلم) را یاد آور شده که بصورت اسم فاعل آورده است.

۲. شیخ مفید هم ضمن شرح بر اعتقادات صدوق صفات فعلی خداوند را بصورت (مبدی)، (ممیت) و (معید) متذکر گردیده که باز بصورت اسم فاعل آورده و در قرآن بصورت فعل ماضی یا مضارع موجود است.

۳. علامه حلی در کتاب «باب الحادی عشر» خود که در علم کلام است، صفات

صفات (مبدی) و (معید) و (لابس) و (مستوی^۸) برای خداوند آورده شده است.

۳. احمد بن محمد البرقی گفت: جاثلیق از امام علی (ع) سؤال کرد و گفت به من خبر بده از خداوند که آیا خداوند عرش را حمل می کند و یا اینکه عرش خداوند را حمل می نماید. امام علی (ع) در جواب فرمود:

(اللّه عزّوجلّ حامل العرش والسموات والارض و ما فیهما و بینهما)

یعنی خداوند است که حامل عرش و آسمانها و زمین و آنچه در میان آندو و در خود آندو است می باشد و نیز فرمودند:

(والله تبارک و تعالی الممسک لهما أن تزولا^۹)

یعنی خداوند نگهدارنده آسمانها و زمین است از زوال و نیستی.

۴. در خبری از امام صادق (ع) که اسما و صفات خداوند را ذکر نموده اند و حتی شمارش آن را به (۳۶۰) اسم و صفت آورده، صفات (رازق) و (ممیت) و (باعث^{۱۰}) را بصورت اسم فاعل آورده است.

۵. و نیز در حدیثی حضرت رضا (ع) صفت (باقی^{۱۱}) را برای خداوند ذکر کرده است.

چنانکه ملاحظه می شود در این احادیث صفات الهی (مرید، مولف، دال، مقدر،

فرمودند: به هیچ وجه از صفاتی که در قرآن برای خداوند آمده است تجاوز نکنید.

ناگفته نماند، درباره اسماء و صفات الهی کتابهای ارزنده خوبی از طرف علماء امامیه و علماء اهل سنت نوشته شده که حتی مورد استفاده این حقیر واقع گردیده و از زمره منابع و مآخذ این کتاب علاوه بر سایر کتب قرار گرفته است، ولی از حیث ذکر ردیف آن اسماء و صفات به طریق القباء و نیز ذکر سه مورد از آن اسماء و صفات الهی از لحاظ منحصر بودن بعضی از آن اسماء و صفات بصورت اسم فقط، و بعضی دیگر از آنها هم بصورت اسم و هم بصورت فعل و برخی دیگر آن ها بصورت فعل فقط آنها در قرآن فقط شاید بی سابقه باشد.

فعلی خداوند را بنام (مختار) و (کاره) و (مُدْرِك) یاد آوری نموده که در قرآن بصورت اسم فاعل نیست.

۴. و شیخ بزرگوار ما طوسی در تفسیر «تبیان» صفات (عادل) و (مُحْسِن) و (مَجْمَل) را متذکر شده اند.

۵. ابوالفتوح رازی نیز در تفسیر خود صفات (کاره) و (مُدْرِك) و (مُنْعَم) و (مَفْضَل) و (مُمِیت) را متذکر شده اند.

۶. و هم چنین شیخ طبرسی صاحب «مجمع البیان» نیز این صفات مذکوره در تفاسیر فوق را در تفسیر خویش آورده و ما همه آنها را در ضمن شرح الاسماء الحسنی و اسم اعظم الهی در این مجموعه متذکر شده ایم.

۷. و نیز در دعاء جوشن کبیر و سایر

ادعیه مأثوره، از اینگونه صفات فعلی بصورت اسم فاعل آورده شده است.

در خاتمه ذکر این نکته لازم است که تنها مشوق این حقیر در ذکر اسماء و صفات الهی در قرآن فقط، حدیث و آمده از امام ابوالحسن، موسی بن جعفر (ع) در این باره است: عن المفضل قال: سألتُ ابوالحسن (ع) عن شیء من الصفة فقال:

« لا تجاوزوا ما فی القرآن^{۱۲} »

یعنی مفضل گفت از امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) از صفات الهی پرسیدم

۱. نهج البلاغه خطبه / ۹۹.

۲. همان مدرک خطبه / ۸۹.

۳. همان مدرک خطبه / ۷۱.

۴. همان مدرک خطبه / ۱۰۷.

۵. همان مدرک خطبه / ۲۰۴.

۶. الفارات / ۱ / ۱۹۵.

۷ و ۸. کافی / ۱ / ۱۴۲ / ۷.

۹. همان مدرک / ۱ / ۱۳۰ / ۱.

۱۰. همان مدرک / ۱ / ۱۱۲ / ۱.

۱۱. همان مدرک / ۱ / ۱۲۱ / ۲.

۱۲. همان مدرک / ۱ / ۱۰۲ / ۷.